

آشنایی

با

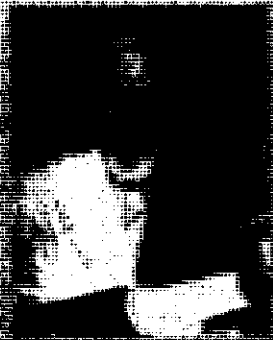
رسالات موسیقی

□ دکتر حسین محمدزاده صدیق

رسالات موسیقی در ایران به سه زبان عربی، ترکی و فارسی نگاشته شده است. در گذشته هر سه زبان در ایران کاربرد مساوی و موازی داشته‌اند و صاحبان فن اغلب از منابع موجود به هر سه زبان سود می‌جستند.

گرچه رسالات موسیقی به فارسی، نسبت به رسالات عربی و ترکی اندک است ولی دارای اهمیتی شایان در روند پیدایی و تکامل علم موسیقی در ایران به شمار می‌رود. تاکنون اثر مستقلی که بررسی و معرفی این مجموعه را بر عهده گیرد، منتشر نشده است. ما در این ویژه تلاش خواهیم کرد آنچه را که از سده ششم به این سوی در رابطه با علم موسیقی نگاشته شده است، مختصر معرفی کنیم.

ذکر این نکته تأسفانگیز نیز لازم است که بسیاری از رسالات موسیقی فارسی، هنوز به صورت نسخ خطی در مخازن کتابخانه‌های داخل و خارج محفوظند و امیدواریم، تلاش ما، انگیزه‌ای برای احیای این نسخ نیز باشد. برخی از این رساله‌ها را در این جا برای اول بار است که معرفی می‌کنیم و در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد.



استخراج اولاتار فی الدائرة ۱۶

اثر محمد بن احمد ابوریحان بیرونی خوارزمی (۳۶۲ - ۴۳۰ هـ...) دانشمند و ریاضی‌دان ایرانی منسوب به ترکان خوارزمشاهی که اثر خود را در دانش موسیقی و علم ادوار و احتساب اعداد ابعاد نگاشته است.

دانشنامه

ابوعلی سینا از نخستین کسانی است که در علم موسیقی و به زبان فارسی اثر مکتوبی از خود به یادگار گذاشته است. ابن سینا در اغلب دانشهای زمان خود دست داشت و القابی مانند شیخ‌الرئیس، حجه‌الحق، شرف‌الملک و امام‌الحکم به او دادند.

مجمل الحکمه

رساله مجمل الحکمه در واقع ترجمه فارسی «الرساله الخامسة» اثر اخوان الصفا است که ترجمه آن به خواجه نصرالدین طوسی منسوب است.

نخستین بار این رساله را مرحوم تقی بینش با مقابله چهار نسخه خطی معتبر در سال ۱۳۷۱ در مجموعه «سه رساله فارسی در موسیقی» چاپ کرد. بینش فقید در باب تعیین تاریخ ترجمه رساله می‌گوید: «اگرچه معلوم نیست در چه تاریخی این متن به فارسی ترجمه شده است. ولی وجود نسخه‌هایی از آن... که در قرن هفتم هجری کتابت شده است ثابت می‌کند که باید مدتی قبل از آن تاریخ صورت وجود یافته باشد.»
۲ مترجم رساله در ترجمه از «الرساله الخامسة» چهار فصل «فی تأثیر الامزجة بالا اصوات» «فی ان الحركات الافلاک نعمات» «فی تناسب الاعضاء علی الاصول الموسیقیه» و «فی ذکر المربعات» را حذف کرده است.
مترجم در صدر رساله عنوان «رساله چهارم» نوشته است. این بدان جهت است که در علوم قدیمه علم ریاضی چهار بخش بود و بخش چهارم «موسیقی» نام داشت. سه بخش دیگر حساب (از لحاظی)، هندسه و نجوم بود.

در این رساله کم حجم اصطلاحات خاص نظیر کذبیه، نبات، الماء، وبله، میانه نوا (وسط آهنگ)، آواز تیز (صدای زیر) به کار رفته است که در رسالات دیگر دیده نمی‌شود. این رساله کم حجم با تعریف زیبایی از موسیقی بدین صورت آغاز می‌شود: «بدانک موسیقی تألیفی است که وضع حکما از نهادن آن ارواح حیوانی راست نه اجسام [حیوانی]

را که از آن نصیبی نیست. ۴». و سپس موسیقی را به عنوان یک صنعت به شیوه ابن سینا مورد بحث قرار می‌دهد و به شرح «نوعهایی که برای موسیقی ساخته‌اند» می‌پردازد و با بحث پیرامون «تخریج نفس ناطقه» سخن خود را پایان می‌دهد. در متن رساله بحثی مستوفی در کیفیت تولید صوت و اصوات ناشی از قرع آمده است و اصوات را به انواع عظیمه، صغیره، سریع، بطنی، حاده، بیه، چهیر و کوتاه و اصوات متصل و منفصل تقسیم می‌کند.

«اخوان الصفا و خُلق الوفا» در اولخر سنه چهارم هجری با هدف خرافات زدایی از اسلام، به صورت انجمن و سازمانی مخفی با شرکت ابوالحسن علی زنجانی، ابو احمد مهرچانی، زیدبن رفاعه، ابوسلیمان محمد بیستی و عوفی تشکیل شد. اعضای این سازمان به تألیف رسالات فلسفی و مقابله با متکلمین می‌پرداختند و ۵۲ رساله به آنها منسوب است که به «رسائل اخوان الصفا» معروف شده است و مجمل الحکمه پنجمین رساله این مجموعه به شمار می‌رود و «الرساله الخامسة من القسم الریاضی فی الموسیقی» نام دارد.

مقایسه و مطالعه تطبیقی ترجمه فارسی مجمل الحکمه با متن عربی «الرساله الخامسة» نشان می‌دهد که مترجم فارسی برخی از فصول آن را حذف کرده است مانند فصلهای:

فی تأثیر الامزجة بالا اصوات، فی ان الحركات الافلاک نعمات کنفمات العیلان، فی تناسب الاعضاء علی الاصول الموسیقیه فی ذکر المربعات.

مترجم تأکید می‌کند که مقصود از نشر ترجمه این رساله، تعلیم غنا نیست بلکه هدف «معرفت نسبتها و کیفیت تألیف» است.

آداب خنیاگری

«آداب خنیاگری» را که باب سی و ششم از «قابوسنامه» را تشکیل می‌دهد می‌توان از نخستین نگاهشده‌ها در موضوع خود، به فارسی به شمار آورد. عنصر المعالی کیکلوس (م. ۳۶۲ هـ...) این اثر را برای فرزند خود گیلانشاه نوشته است.

در آن اصطلاحات موسیقایی فارسی نظیر خسروانی، راه گران، راه سبکه خفیفه، سرود، زخمه، فراقی، وصالی، ملامت، عتاب، حسب حال، وقتی، پرده، پادیه، عراق، عشاق، زیر افکنده، بوسلیکه بسته مگوی و جز آن به کار رفته است و نشان می‌دهد که

■ «قابوسنامه» با همه اهمیت و ارزش ادبی و لغوی، پدآموزیهایی نابخشودنی نیز دارد و خلقیات در بارهای فنودالی و برده‌داران برخی از مناطق ایران را در قرون وسطی در بر دارد.

■ سه زبان عربی، ترکی و فارسی در گذشته کاربرد مسابری و موازی داشته‌اند و ضامیان فن اغلب از منابع موجود در سه زبان سود می‌جسته‌اند.

عصر المالیه هم با مسائل نظری موسیقی و هم با موسیقی عملی آشنا بوده است. «قابوسنامه» با همه اهمیت و ارزش ادبی و لغوی، بدآموزیهایی نابخشودنی نیز دارد و خلیقات دربارهای فتودالی و برده‌داران برخی از مناطق ایران را در قرون وسطی در بر دارد.

فصوص روحانی

تألیف «شیخ نجم‌الدین» که تنها آگاهی ما پیرامون آن، مطلقاً است که در رساله «بہجت الروح» در باب او داریم. آنجا که مؤلف در باب «در الفاویل بعضی از حکما در این علم و چگونگی آن و آداب اکتساب» گوید: «... اما شیخ العارفین و قطب الحق و الیقین شیخ نجم‌الدین در فصوص روحانی» در به هم رسیدن این علم شرحی متین به سلک تحریر کشیده که بعید نیست. والله اعلم بحقیقة الحال. ۵ وی همان شیخ عبداللہ بن محمد مکنی به ابو بکر و معروف به «شیخ نجم‌الدین دایه» از عرفای بزرگ قرن هفتم و از شاگردان شیخ نجم‌الدین کبری است که در سال ۶۱۷ هـ به هنگام حمله مغول، از خراسان به همدان و از آنجا به اردبیل رفت و سپس روانه «قیصریه» در آنتالوله شد و به خدمت سلطان علاءالدوله کیقباد سلجوقی رسید و در سال ۶۲۰ در شهر سیواس کتاب «مرصاد العباد» را به نام وی تصنیف کرد.

وی با مولوی رومی و صدرالدین قونوی معاشر بود و در سال ۶۴۵ هـ وفات کرد. این رساله جزو رسالات مفقوده به حساب می‌آید.

رساله چنگ

از سراج‌الدین قمری خوارزمی (م. ۶۳۵ هـ) که آن را به نظم و نثر مسجع ساخته است.

رساله در موضوع آواز خوش و غم‌انگیز چنگ است که چگونه حالات و هیجانات حروثی انسان را می‌توان در آن پدید آورد. از این رساله یک نسخه استنساخ شده در سال ۷۲۵ به خط نسخ ریز آراسته، در موزه تاشکند به شماره ۴۰۲۱ نگهداری می‌شود و هنوز به جهان علم شناسانده نشده است.

خلاصه الافکار فی معرفة الادوار

خواجه شهاب‌الدین عبداللہ بن محمود صراف صیرفی تبریزی معروف به خنیگر، متوفی و مدفون در چرنداب تبریز (۲. ۷۵۳ هـ) منسوب به اویس، خطاط و موسیقیدان معروف که خط و موسیقی را پیش یاقوت

مستعصمی و او نیز از صفی‌الدین اورموی فرا گرفته بودند.

خنیگر تبریزی این اثر را برای اویس خلق کرده است.

او، هم در خط و هم در موسیقی مخترع چند شیوه بوده است. از جمله اختراع خط منسوب به او است. مرحوم تربیت گوید: «شجره خوشنویسان آذربایجان و اکثر خطاطین ایران به صیرفی منتهی می‌شود و محمد بندگیر تبریزی از تلامذہ اوست.

چند کتبات از این دو استاد و شاگرد بی‌بدل در آذربایجان بوده است که شبیه و نظیر در عالم نداشتند. ۷

در تبریز عمارت معروف «علائیه» که در سال ۷۲۲ به اتمام رسیده را «عمارت استاد شاگرد» می‌نامند و از آن جهت چنین گویند که بعضی از خطوط طرف شرقی آن را شاگرد صیرفی نگاشته است.

رساله «خلاصه الافکار» خنیگر تبریزی بر اساس «الادوار» صفی‌الدین اورموی نوشته شده است.

جلال همایی گوید که نسخه‌ای از آن را در کتابخانه ثقافت اسلام تبریز دیده و رونویسی کرده و به عباس اقبال خاده است و چند خط از آن را نقل می‌کند. از جمله در مثال برای گواشت: «دایره هفتاد و یکم اصفهان است در طبقه دهم و آن را اصفهانک و گواشت نیز خوانند.»

درة التاج لفرقة الدباج

علامه قطب‌الدین محمود بن ضیاء‌الدین مسعود شیرازی در سال ۶۳۴ ولادت یافت و در نزد پدرش تحصیل کرد. سپس به خدمت نجیب‌الدین علی بن بوزگوش، صوفی معروف رسید.

در جوانی به مراغه رفت و پیش خواجه نصیر تحصیل کرد. «اشارات» ابن سینا را پیش او آموخت و از آنجا به تبریز رفت. در این شهر به تألیف آثارش پرداخت و در سال ۷۱۰ در تبریز وفات یافت.

قطب‌الدین شیرازی از علمای بزرگ موسیقی است که در عمل بدان نیز مهارت داشته است.

رباب را به استادی می‌نواخت و به ترکی و عربی و فارسی شعر می‌گفت او صاحب تألیفات معتبری است.

اثر مورد اشاره در «درة التاج لفرقة الدباج» معروف به اتمونوج العلوم است که آن را به خواهش امیر دباج تألیف کرده است. امیر دباج را سلطان محمد خدابنده، در سال ۷۰۶ هـ شکست داد و

■ **خواجه حافظ شیرازی با موسیقی عملی نیز پیوند داشته است و موسیقیدان بوده است و گذشته از آنکه قرآن را به صورت حسن قرأت می‌کرد. در مجالس عرفا هم اولاً خوانی پیشه داشته است.**

■ **تسیمی شیرازی به زبانهای عربی و فارسی نیز آثاری بر جای گذاشته است. به زبان فارسی گذشته از دیوان. رساله‌های حسیم طرف نیز منسوب به وی است.**

بر امارت وی نقطه پایان نهاد.
کتاب درة التاج شامل یک مقدمه، پنج
جمله و یک خاتمه است.

جمله چهارم کتاب «علم اوسط» نام دارد
که شامل مباحث اصول اقلیدس، هیأت
محیطی، ارثماتیکی یا خواص اعداد موسیقی
یا علم الحان است. بخش موسیقی فن چهارم
از جمله چهارم خود دارای یک مقدمه و پنج
مقاله است:

مقاله اول در ده فضل است: شامل معنی
حدت و لواحق آن و ذکر شکوکی که متأخران
بر احوال متقدمان در آن باب ایراد کرده‌اند
و جواب آنها.

مقاله دوم: اقسام نسبت اعداد و استخراج
ابعاد و نسبت آنهاست که تابع نسبت مقادیر او
تار بود و مراتب ابعاد در تعالیم و تنافر و اسامی
هر یک در ده فصل.

مقاله سوم: در اضافات ابعاد به یکدیگر
و فاصله داشتن بعضی و بیان اصول و انواع
جموع در ده فصل است.

فصل چهارم: در بحث عود و اجناس از
آن در یازده فصل است. فصل پنجم: در ایقاع
و انوار آن در هفت فصل است.

خاتمه: در اثبات و اشارات به کیفیت
ثبت الحان.

از درة التاج نسخه‌های خطی با ارزشی
وجود دارد و نسخه مطبوعی [چاپ شده‌ای] نیز
از آن در دست است.

قطب‌الدین شیرازی پیرو صفی‌الدین
اورموی بود و خود را شاگرد او می‌دانست ولی
ایراداتی بر آرای صفی‌الدین گرفته است که
عبدالقادر مراغه‌ای به آنها جواب داده و
قطب‌الدین را متهم به نادانسی در علم موسیقی
کرده است.

مثلاً گفته است: «تحقیق این فن کسی
را میسر است که جامع باشد بین العلم والعمل»
و او را به «ملفت نبودن عملیات این فن»
متهم کرده است.

نثر درة التاج، مصنوع و سرشار از
اصطلاحات و لغات دور از ذهن مانند لفظ
«ادمان» در معنای استمرار و... است.

معنی نامه

اکنون دیگر روشن شده است که خواجه
حافظ شیرازی با موسیقی عملی نیز پیوند داشته
است و موسیقیدان بوده است و گذشته از آنکه
قرآن را به صورت حسن قرائت می‌کرده در
مجالس عرفا هم آوازه خوانی پیشه داشته است.
گذشته از ۱۷۷ غزل وی که ۶۹ اصطلاح

موسیقی در آنها به کار رفته منظومه‌ای نیز به
بحر متقارب در مدح شاه منصور در تضمین
سه بیت از نظامی گنجوی در ۶۶ بیت نیز
سروده است که به معنی نامه معروف است.

طرب نسیمی شیروانی

این رساله به سید عمادالدین نسیمی
شیروانی شاعر بلندآوازه ترکی سرای آذربایجان
منسوب است.

نسیمی شیروانی مرید و شاگرد فضل‌الله
استرآبادی تبریزی معروف به «شاه فضل» و
جانشین او در سلک حروفیان بود. دیوان
پرحجمی به ترکی آذری دارد و در تاریخ شعر
ترکی در قرن هشتم نقطه عطف به شمار
می‌رود.

او در سال ۸۲۰ در شهر حلب به طرز
فجیمی شهید شد.

نسیمی شیروانی به زبانهای عربی و
فارسی نیز آثاری بر جای گذاشته است. به
زبان فارسی، گذشته از دیوان، رساله نسیم
طرب نیز منسوب به وی است. از این رساله
منظوم نسخه‌ای در مجموع ش ۴۸ نجبه نجبه
مجلس (۲۳۹۹ / ۳۹۵۳۷) نگهداری می‌شود
که در سده دوازدهم به خط نستعلیق استنساخ
شده است.

رساله طرب نسیمی که در این مجموعه
قرار دارد در ۲۷ برگ و هر برگ در ۱۱ سطر
نگاشته شده است.

سراینده خود، نام رساله را «نسیم طرب»
نامیده است آنجا که گوید که نام رساله ز نام
بدان «نسیم طرب» نام این شد روان. ولی به
«رساله طرب نسیمی» معروف است.

یادداشتها:

۱- استخراج الاوتار. به کوشش ابوالقاسم
قربانی، انجمن آثار ملی، ش ۱۲۴، تهران، ۱۳۵۵.

۲- سه رساله فارسی در موسیقی. به اهتمام
تقی بینش، ویراسته رضا فرخ فال، مرکز نشر
دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.

۳- همان ص ۳۲.

۴- همان، ص ۴۷.

۵- بهجة الروح، ص ۲۵.

۶- «تربیت»، ۱۳۸، تحفة سامی، ۱۴۳ - هنر

و مردم» ۳۲/۸۶۷.

۷- همان جا.

۸- تاریخ ادبیات، ص ۱۷۹.

۹- مقاصد الحان، ص ۶۵.

۱۰- همان، ص ۶۰.

قطب‌الدین
شیرازی پیرو
صفی‌الدین اورموی
بود و خود را شاگرد
او می‌دانست، ولی
ایراداتی بر آرای
صفی‌الدین گرفته
است که عبدالقادر
مراغه‌ای به آنها
جواب داده و
قطب‌الدین را متهم
به نادانسی در علم
موسیقی
کرده است.